

کیوان قنبری

۱

پرده برپنجره
تاب می خورد
آرام
و کهکشان آرام
بر جهان

۲

وباد می وزد اما
شمعی که در شیشه می سوزد
می سوزد

۵

ای نام
ای ندای سماواتی سقوط
بامن چه کرده ای؟

۳

چشم از من اگر برود
من از چشم دوباره میافتد
با چشم های بعدی افتاده
چیزی آرام از منظره
رفته است

۶

آخر تمام تان ستاره هایی بودید
که برای همیشه یک بار
خاموش می شدی

۷

صفحه سفید است
صفحه تا ابد سفید است
وپای هرگز در جوهر
ودست فلج نجوا
در فلک نجوا
چمیده است

۴

من آن نهال تنها را می شناختم
که به اشتباه من عادت نداشت